گفتوگوباحميدرضانوربخش،استادآوازايراني

بهترین ملودی در دست بدترین صداهاست

تــا آنجا كــه حضــور ذهــن دارم، بعد از اجرای «پنهان جو دل» با گروه پور ناظری ها رجرای ربیهان چو دل به نروه پورنطویهه و تــور اروپ او آمریکا بــا همراهی اســتاد علیــزاده و کلهــر و ســیامک جهانگیــری و البته اجرایی که ســال گذشــته بــا گروه شــهنازی داشــتید، مخاطبــان موســیقی شــهنازی داشــتید، مخاطبــان موســیقی شـهنازی داشــتید، مخاطبــان موســیقی ایرانی کمتر شــما را در حــوزهای که به آن

ں ہے۔ ۔۔ بهطــور متوســط هرســال برنامههایــی اجرا می کنم، البته برخیی از آنها به تولید نرسیده. آخرین کار منتشر شدهای که در آن حضور داشتم، آلبوم «پنهان چو دل» بود. اما در این بین کارهای دیگیری هم انجام دادهام. مثلاً همین گاری که بــا آقای علیزاده و آقای کلهر داشــتیم ری ... بــه دلیل ســفرهای هرکــدام از این دوســتان، عقیم مانــد و به مرحله ضبط نرســید. بعد از آن هم يا آقاي كلهر و همنوازان إحرا داشتم. البته سرتی که با گروه شهنازی داشتم برای انتشار ماده شده. هم اکنون نیز در حال همکاری با آقای هوشنگ کامکار هستم که آن هم انشاءالله عرضه خواهد شد. جســته گریخته فعالیت دارم اماً در این سال ها بیشتر روی آموزش متمر کز

اماً خاطرم هسـت که همیشه می گفتید، اگر بتوانید کلاس و تدریـس را به یک فرد مناسب بســپارید، دیگر تدریس نخواهید کرد.

نیفتاده چراکه مقوله آمـوزش را هنوز به صورت تمام و كمُسال منتَقل نكسُردهامُ تا بكُويسم افُراد دیگری بیایند. تجربه تدریس بسرای من، یک ه خــاص و منحصر به فرد اســت و با وجود . ر. ین که خواسته من این نیست، هنوز ممحض ر خبود من ماننده و ناچار به خاطب خلائی که وجود دارد می شـود خصوصا در شهرستانها به هنرجوهای آواز کمک کـرد. در خانههنرمندان هم مسترکلاسهایی برگزار کـردهام. موضوع صداسازی حتی بـرای برخـی از هنرمندان و ستسسران علی برای بر همکاران عزیز می هم تبیین نشده، بعضا هم شاهد انتقاداتی به خودم و این روش هستم اما فکر می کنم اگر این مسأله تبیین کامل شود هیچ کس مخالفتی نخواهد داشت.

ہے۔ ہے ای شکل گیری ہے کک کار ہنے ہی اضلاع مختلفی لازم است. تا زمانی که همه آن اضلاع شکل نگیرند، منخواننده که یک ضلع هستم به س دیره سی مورد اسامان دهم. ملودی و تنظیم، گروه و خواننده همگی برای شکل گیری یک اثر اهمیت دارد که البته به نظر من، پایه و اسـاُس همه اینها، ملودی اسـت. البته تقریبا هُفتهای نیست که کاری برای شنیدن به من ارایه نشـود. اما اینها آثاری هستند که چندان با ری سسود. سه پیها ۱۰ری هستند به چندان با سلیقه من در یک سو نیستند. بنابراین ترجیح میدهم آن کارها را انجام

وقتى پايەواساس يک كار

اینپیشنمیآیدکهذهن

ماواپسگراستیاازسنتها بیرونمی آید.صحبتبرسر

ايراداساسىدارد

ندهـــم. چراکــه از ابتـــدا به نحـــوی حرکت کــردم که ايراددارد،بهسراغ فاكتورهاي این گونه جبرها و اُلزامات دیگرنمی رویم. دراین جابحث سلیقه مطرح نیست بحث برایم وجود نداشته باشد. لبته ممكن است همين اجبارها برای عدهای وجود داشته باشد بنابراین من نمی توانیم برای کسی تعیین تکلیف کنیم یا به او مداست.وقتی صدادرست درنمی آیدشماچهمی خواهید بگویید؛صدایی کهنافرماست، خرده بگیرم. هر هنرمندی مسیری را برای زندگی مسیری را برای زندگی انتخاب می کند. من سعی کردم کارهایی را انجام دهم که برای خــودم قابل

دفاع باشد و هيچوقت از هيچ بخشي از آن کارها پشــيمانُ نشــُوم چراکه اين ندامـ فیلی از هنرمندان پیشکسوت دیدهام. خیلی از آنها در دوران کهنسـالی وقتی به گذشــته خود بازمی گردنــد از بخشــی از زندگی هنریشــان اضی نیستند. در عرصه های مختلف هنری شاهد چنین اتفاق هایی هستیم. مثلا در سینما، بازیگرانی هستند که وقتی زندگی هنری خود . ر. ر ی را ورق میزننــد، می گوینــد ای کاش در فــلان فیلم بازی نکرده بودم. چرا بازی کرده؟ بهخاطر جبر زندگی یا رودربایستیها و... اما من همیشه سبعی کردم کاری را انجام دهم که برای خودم

قابل دفاع باشد و أز انجام آن راضي باشم. مشكل اين جاست كه شما بيش از مدت زمانی که برای تحصیل در دانشکده حقوق رسی عربری تحصین در مستحد موری دانشگاه قم و تهران، یــا بیـش از مدت زمــان مدیریــت در خانهموســیقی، بــرای فراگیری آواز زمــان گذاشــتهاید و تجربه ..ری محضر بهترین اســتادان موسیقی ین سے زمین را داشتہاید. بهعنوان یکی ... از شــاگردان ممتاز استاد شــجریان هر گز صدایی تقلیدی ندارید. شــما حــق دارید بهگزین باشید اما تکلیف این سرمایه ں . قایی چه میشود؟

. اولا می خواهم نگویم آین دو موضوع (مدیریت اولا می حواهم بخویم این دو موصوع امدیریت هنسری و آواز) هیچ تعارضی با هسم ندارند. مثلا گاهی اوقات این تلقسی وجود دارد که من اگر در خانهموسیقی نبودم بیشتر میخواندم و اصلا مگـر چند وقت است این جا مدیسرم و از طرف

دیگــر در تمام ســالهایی که مدیــر نبودم مگر کاری ام در مقوله آواز غیر از این بود. اگر کارنامه هنری مرا از ۲۵سال پیش تا الان بررسی کنید، میبینید در مدیریت خانهموسیقی ۶ سال است که وارد شدهام. این موضوع الزاما به مشغله مدیریتی من برنمی گردد بلکه بیشتر متوجه نگاهی است که براساس آن هرکاری را انجام نمی دهم. برای وارد شدن بسه یک پروژه

صرفًا کاری را در مقوله هنر در ک کنم. متاسـفانه آنچه در هنر امروز ما شکل گرفته و هر روز بیشتر میشود(این خود یکی از عوامل مهم تنزل آثار هنری است) نبودن احساس عاطفه بین افراد است. این همان موضوعی است که در گذشته به شدت

وجود داشت وجود داشت و عنصر پررنگی هم بود. به نظر من این عامل فاکتور بسيار مُهمَى اَسَت که بايد بــه آن پرداخته شــود و حتی می تواند موضوعی باشد که شـما اصحاب رسانه به این مسأله بپردازید و درباره آن با همــه هُنرمُنــداُن صُحبت کنید کــه امروزه چــرا روابط موجود در مقولــه هنر، رابطه بر سرفا کاری و اداری اس نفر وقتسی در یک اداره کنار ند، الزاما , ابطه ،

ستند که زیر یک س ده کا مند ه مو فار --- ----- رسر ... اما لزوما ارتباط حســى بين آنها وجود ندارد. در مقوله هنر اين گونه نيست. در اين فضا وقتى قرار ر ر ر بی ر ت ر بی ر ر ر بی ر ر ر بی ر ر ر بی بید مجموعه افرادی کنار هم بنشینند، لزوما باید عاشیق هم باشیند و حتما بینشیان عاطفه باشد. این همان چیزی است که در گذشته وجود داشت. آدمها با هم زندگی می کردند. ۔ بازگویی خاطرات همخانگی و هم: محافل مختلف بودن و شبنشسنيها و سفرها و ... امروزه چرا گروه شکل نمی گیرد؟ چرا هیچ گروه پایداری نداریم؟

دست هر نفر است و جداگانه میرود سازش را

مي ند.

کلمه، حرفهای است یعنی به هنر به عنوان منبع ارتزاق نگاه مي كند، چندان مورد توجه بنابراین اگر این کار برای شخصی منبع ارتزاق

موسیقایی دو عنصر بُسرای من آهمیت دارنَد. یکی خود کار و دیگری افراد حاضر در آن کار. هر دوی اینها برای من سه یک میزان دارای اهمیت رق بيه بررق س بديد سيرن عرق سيد ستند. من كنار هركسى نمىنشينم. البتــه اين بــدان معنا نيســت كه الزامــا كنار

استادان و پیشکسوتها مینشینم. من در کنار کسانی مینشینم که در تراز هنری موردنظرم باشــند و البته عاطفه و دوســتي هم در اين بي وجود داشته باشد. بنابراین نمی توانم رابطه های

پیوندی بینشان وجود ندار د. ، . . ، قته ، خاطرات تک تک این آدمها را ورق می زنید

. چوّن رابطه هـا صرفا کاری اسـت. چند آدم با هم قراری می گذارند و براساس همان قرار کنار هم مینشینند و کار را به سرانجام میرسانند و بعد هم میروند دنبال بقیه کارهایشان. چون کار تبدیل به یگانه هدف آنها میشود، در همان بازه زمانی هم که با هم هستند چندان دُوستی و حُسُسی بین آنها به وجود نمی آید بعضی مواقع حتی در استودیو هم اصلا یکدیگر را نمی بینند. لبته مجبور هم نیستند چون یک پارتیتور

دو محوری که در توضیح ســوال شــما به آن ــاره کردم، برای کســی که به معنــای واقعی

ر نمانندگری میشود صورب می آلبوه واجرای کشود میکامی نمندند در داخل و خاچ از کشور به آموزش هنر جویان آواز معطوف کر ده است.او بخمهاستناد کتاب رازمانا اکتابی در باره روندگی ستاده محمد ضاشعر بان) جزو تنهاشاگر دان خسر و آواز ایران محسوب عی شود (شجر یان در آن کتاب حمید رضانور بخش هما یون شجر یان وسیناسر لکر انتهاشاگر دانی ب می سرد چه سرد بی می در در بین ب می شود (شجریان در آن کتاب حمیدر شانور بخش، هما پون شجریان و سیناسر لک را تنها شاگردانم ته که تمام مراحل آموزش را نز د او آموخته اند)، سال هاست به تربیت شاگرد مشغول است و دور های صداسازی او دربین خواص موسیقی ایرانی شهرت دارد. اخیر او پس از مدتها نوربخش در همکاری با گروه قمر به شیراز وهمدان رفت و در آن جابها جرای برنامه پر داخت. او که چندسالی است مدیر عامل «خانه موسیقی ایران ۱۱ سسّت، در یک گفت:وگوی مفصل با اسّسهٔ پروند، ادرباره مشسّکلاتی که آواز ایرانی در این سسال ها با آن دست به گریبان است، سسخن گفت و دلایلی برای کم کاری اش در مقوله ارایه آثار آوازی بیان کرد. گفت و گو بااین هنرمند آواز کشورمان می تواند پاسخ برخی پرسشهای مخاطبان جدی موسیقی ایرانی را ارایه دهد.

کاری انجــام دهد، حتما باید بیــن آنها عاطفه و

این شرایط بررسی کنیم و البته نیازهای زمانه راهم در آن مدنظر قرار دهیم، از چه

کسے که وارد مقوله هنر میشود، ذاتا باید ویژگیهایی داشته باشد که ما به آن ویژگیها

ر ضانامجو | حميدر ضانوربخش ازجمله خوانندگان آواز ايرانى كه فعاليت خــوددر اين عرصه رابيش از ارايه

نباشد، آن شخص از خیلی از این قیدها فارغ تئوری موسیقی را خوب بداند و شعر و ادبیات را و ادبیات زندگی کرده و با آن همزیستی داشته ر ... و بعد هم از یک زیبایی شناسی برخوردار باشد. بخشی از این زیبایی شناسی ذاتی است. طبیعتا

کسانی که پایسه کارشان خراب است، نمیبرید؟ چرا از مشخص کردن کسانی که به تعبیر شـما درسـت نمیخوانند، برحذر

یکی، دو نفر نیستند که بخواهم نامشان را ببرم. بیشتر کسانی که میخوانند صدایشان را خوب درنمی آورند. از سوی دیگر وقتی شما خوانندهای ـد کُه مُلاکهای اُنتخابهای شـعر را را می پینید که ملا دهای سحب سی . نمی داند و تلفیق شعر و موسیقی را نیاموخته، دیگر نمی آیید بگویید کارشان را می پسندید یا میسندید یا ... ت. که این افراد از نظر مى پسنديد. بحث اين است كه اين افراد از نظر موزشي مشكل دارند.

سورسی مسمل سرند. بنابرایسن چرا مسردم آواز ایرانسی را با آن امها بیشتر میشناسند؟

ت. بەقدرى غذاھاى فستفودى ; ياد شدهاند که اگر به بعضی از بچههایمان غذای

اُستاد محمدرضاً شجریان هم ازجمله هنرمندانی است که بردن نامش در

رسانهملی سالهاست با وسواس اتفاق میافتد اما وستدارانش بی شمارند. -جریان در فُضای ستاد شب وجود در یکی، دو دهه اخیر بطرح نشيد. نام او از سال هاً مسر قبل مطرح بود. اما در زمانی که استاد ایسرج خواجهامیسری و اسستاد گلپایگانی در اوج

محبوبیت بودند، نامی از استاد شجریان نبود؟ طبيعتـــا. أيشـــان أن موقع .۔ جوان تر بودند و بعد از انقلاب

آن هم به این دلیل که در دهـه ۶۰ خوانندهای نبود. بعد از انقلاب آقای شجریان و آقای ناظری تنها خواننــُدگان آواز ایرانی بودند. بعد هم آقاُی سراج و دیگران آمدند. اما آقای شجریان قبل از نقلاب و در میان اهل فن به عنوان یک استاد آواز طرح بودند. تراز کاری ایشان ازسال های ۵۴ و ۵۵ در جُشــن ُهنُر و در کنسرت راست پنجگاه وُ کنسرت نوا در حد استادان بود و بهعنوان کسی که در آواز صاحبنظر اســت و کســی که استاد متح، آواً: است، مطرح بودند بنابراین نمی شود

سبجر بور است. سعرع بودنه بدیر ین سی سود ایشان را در این قضیه مطرح کرد. اما الان آنچه ارایه می شــود، فقط ارایه می شود. از ســوی دیگر خــود ملودیهــا هم موثر اســت. نمیخواهم اســم بیاورم اما در گذشته هم بهترین ملودیهای مارا کسی خوانده که از نظر من بدتری . با را دارد. در ُصورتی که اگــر هُمان ُملودیها را آقای بنان می خواند آن کار چندین برابر آنچه امروز

طرح است، شنیده می شد. منظور شــما این است که ملودی هایی که امروز سُاخته میشود، قابلیت این را دارند که یک خواننده را مطرح کنند؟

ر تی را ملودیهایی را خواندهاند که باعث معروف شدن آنها شده. از حق نباید گذشت.

می شد و هماکنون هم ادامه دار د. خیلی

.. اتفاقا اصلا از بــردن نامها برحذر ني

, – بیست سنست: آنچه به مردم ارایه می شـود، کم کم ذائقه آنها را تغییر می دهد. رفتار انسـان درمـورد غذا هم

خوب بدهیم نمی خورند.

حضور پررنگ تری داشستند

سوال بعدی من درمورد دوره صداسازی شماست که سالها برگزار

در مــورد بعضــی از آنها جواب من بله اســت. نــه این کــه همــه ملودیهــا این گونه باشــند اما أدم هايي أمدهاند در تيترارُ سريال ها

از خواننــدگان فعال نزد شــما ایــن دوره را ر گذراندهاند که از میان آنها می توان به نام محمد معتمدی، مجتبی عســگری و وحید تاج اشــاره کرد. خیلــی از همکاران شــما بعداز این قضیه دورههایی را به همین نام بر گزار کردند در حالی که دوره صداسازی آنها هیچ شباهتی به آنچه شیما تدریس می کردید نداشت. کمی درمور د دورههای صداسازی تان صحبت کنید؟ از سوی دیگر چرا در دوره پیشینیان با چنین نامی مواجه نشدهایم؟

درست است اصطلاح صداسازی در این چندساله بیشتر مطرح شده اما همیشه وجود داشته. اما در گذشته اساتید از آن با ر . ر عنـوان تمرین یـاد میکردنـد. میگفتند چه خواننده، چه نوازنده بایـد تمرین کنند. تمرین بخُش فیزیکی قَضیه است. (دُرمــورد خواننده بخشــی کــه مربــوط بــه صداســت و درمورد . نوازنده بخشــی که مربوط به انگشــتان و دست ت.) طبیعتاً در تمرین بحث روی پرورش ودہ نے آموزش۔ در متون قدیمے ہم ما داریم ر. که خواننده باید ســرش را در چــاه کند و ۳۰۰ مرتبه بلند بگوید اســحاق چون این کلمه حرف حلق است و باعث باز شدن صدا می شود. بعدا هم می گفتند خواننده باید به کـوه برود و داد بزند. ایـن داد زدن و فریاد کشـیدن مربوط به تُمرين بوده، پسُ خواُننده بايد تمرين مي كرد. آنچـه خيلي عوامانـه ترويج ميشـد (اين كه خواننده داد و فریاد بزند) در پارهای از موارد باعث آسیبرساندن به صدا بود. انگار که آناتومی حنجسره را نمی شناختند و گمان می کردند پردهای در حنجره وجود دارد که با داد زدن خواننده برداشته می شود و صدای خواننده باز بود. گویی قرار است خواننده فقط اوج بخواند (اشاره به این که صدای خواننده با داد زدن باز

کرده و با دیگران دراین باره سنخن گفته، به نتایجی رسیدم و فکر کردم بهتر است تمرینی را که تا امروز در اموزش آواز همزمان پیش میرفته (پرورش)، بهعنوان یک پیشنیاز به قبل از آموزش منتقل کنیم. البت در موقع أموزش هم پـرورش را خواهيم داشـت و اين دو مقوله از هـم جدا نمی شـوند. مقصودم این ہود، کسی کے میخواہد وارد مبحث آواز شـود، حنجرہ را بشناسد، توانایی های خود را بشناسـد، امکانات صدایی و روش تمرین کردن درست را هم بشناسد و موانع اُوليه را هم مرتفع ئند. یعنی صدایش را خوب دربیاورد، گوشش با صدای سالم آشنا شود و بداند صدای سالم

ر . در هر منطقه صدایی چگونه است، بداند تحریــر کجاســت و بتواند این مقولــه را تقویت کند و برایشکلگیری یک حجم طبیعی صدای خود كارهنرى اضلاع مختلفي . ا نشناسند تا نبه صدان لا: ماست. تا: مانه. که همه رًا بدزدد و نه دچـار اغراق آناضلاعشكلنگيرند، شود. ماحصل این می شود که هر کس از تمام ظرفیت من خواننده که یک ضلع هستم به تنهایینمی توانم چیزی را خودش(بدون مقایسیه در . سامان دهم. ملودی و تنظیم، میچ مقیاسی) بتواند درست استفاده کند. گروهوخواننده همگیبرای شکل گیری یک اثر اهمیت

دارد که البته به نظر من، با به و

اساسهمهاینها،ملودیاس

متاسفانه این تعبی برخی از دوســتان نزدیک ما به وجود آمد که با این روش برای کسی که صدا ندارد، ىدا مىســازىم. ايـــن يک

تلقی غلط است و در مقابلش باید این سوال را . ت کســی که صدا ندارد مطرح کرد که اگر بناسً با این دوره دارای صدا شود چرا برای آموزش آواز تست می گیریم. کسی که صدا ندارد، ندارد، نمی شـود برایش صدا سـاخت. دوره صداسازی برای کسی است که صدا دارد و نیاز دارد بیاموزد از صدایی که دارد چطور استفاده کند. این متد شخصی شماست؟

... بله. البته الان برگزاری دورِههای صداساِزی ه شده اما مطلقا هیچ کسی آن را درست آموزش نمی دهد. برای این که صداسازی یک اتود نیست. من با فکر خودم یک سری اتود طراحی کردم که شما نوعی می توانید صدتای دیگر طراحی کنید و ديگري هزارتا. چرا مي گويم هيچ کس اين دوره را درست تدریس نمی کند، به این خاطر که آن می کنند این اتودها موضوعیت دارند. تحریرهای دوتایی، سهتایی، پنج تُایی، گام فلاُن و... اتودهای سادهای است. مهم چگونگی اجراست. یعنی وقتی هنرجو میخواند، شما بفهمی ایراد کارش ر بی از در سی از در ست در می آورد؟ سوال کجاست. آیا صدایش را در ست در می آورد؟ سوال اساسی این جاست که کسی که خودش همه این ا برادها را دارد، چگونه می تواند کلاُس صداسازی داشته باشــد. ذات نایافته از هســتی بخش، کی تواند که شود هستی بخش؟ حداقلش این است که وقتمی مُننوربخمش صدایم را درممی آورم، بتوانی بفهمی صدای من این ایرادها را ندارد. اگر . دارد پس این چه صداسازی است؟ صداسازی که مجموعه اتودهای تمرینی نیست.

تعريف آواز ايراني معلوم است

◄ در این فضاوقتی قرار شدمجموعه افرادی کنار هم بنشینند، لزوما بايد عاشق هم باشند و حتما بينشان عاطفه باشد. اين همان چیزی است که در گذشته وجود داشت. آدم ها با هم زندگی می کردند. وقتی خاطرات تک تک این آدم هار اورق میزنیدبه باز گویی خاطرات هم خانگی و همنشینی و در محافل ینیهاوسفرهآو...امروزه چراگروهشکل مختلف بودن و شه نمی گیرد ؟ چرا هیچ گروه پایداری نداریم؟

این آواز،معنا پیشینه و شاکلهای دارد که نمی توانیم از آن فاصله بگیریم و بگوییم برای این که در جانزنیم یانو آوری کنیم، هر چیزی رامی توانیم ارایه کنیم. حداقل شرایط برای آواز این ت كه اولا صدا موجود باشد و بعد هم از نظر تكنيك در س باشدو درست دربیاید، حداقل صداسالم به گوش برسدویک خواننده بتواند از همه جای صدایش درست بهره بگیرد. اگر بم مىخواند، وسط مىخواند يااوج، صدا يك دست و خوب باشد.

زاویهای باید وارد شویم؟

رویه ای باید وارد سویم. تعریف آواز ایرانی معلوم است. این آواز معنا، پیشسینه و شاکلهای دارد که نمی توانیم از آن فاصله بگیریم و بگوییم برای این که در جا نزنیم یا نوآوری کنیم، هـر چیـزی را می توانیم ارایه " کنیگم. حداقل شرایط برای آواز این اُست که اولا صدا موجود باشد و بعد ههم از نظر تکنیک رست باشد و درست در بیاید، حداقل صدا سالم به گوش برسد و یک خواننده بتواند از همه جای صدایش در ست بهره بگیب د. اگر بم میخواند، وسط میخُواند یا اُوجُ، صدا یُکد، ـد. این اولین شرط است و برای تمام خُوانُندگان آواز ایرانی شــرط یکســانی است و پیش از ایــن در همه خواننــدگان حرفهای چه ر رادب حیه در حاهای دیگی و خُوانندگان هُ ٤٠ مَـا وجودُ داشــته. حداقلشُ اينُ اســ که شـما یک صدای سالم بشــنوید. دوم دانش

آوازی است که خود شـقوقی دارد. خوانن

ردیف را خوب بداند، موسیقی را خوب بشناسد،

چــرا بهعنــوان يــک معلــم آواز نامي از

می گوییم استعداد. فرد باید زیبایی را بشناسد و بتواند زیبایی را بیافریند. از سـوی دیگر به یک وجه خلاقه هم نیاز هسـت. درواقع باید بتواند از جموع أموختههاي خــود چيز نويي خلق كند اینها پایه کار هستند.

اگر ما به یک اثر آوازی انتقاد می کنیم، به خاطر بود همین پایه هاست. اساسا بحث نوآوری در این جا مطرح نیست. اینها ایرادهای اولیه کار تند. نه این که به کاری انتقاد کنیم که هما یا په ها در آن وجود دارد اما پستد من نیست.

فاکتورهای دیگر نمی رویه. در این جا بحث سلیقه مطرح نیست. بحث این پیش نمی آید که دهن ما واپسگراست یا از سنتها بیرون می آید. - - تن مداد ست مقت صداد ست درنمی آید شما چه می خواهید بگویید؟ صدایی